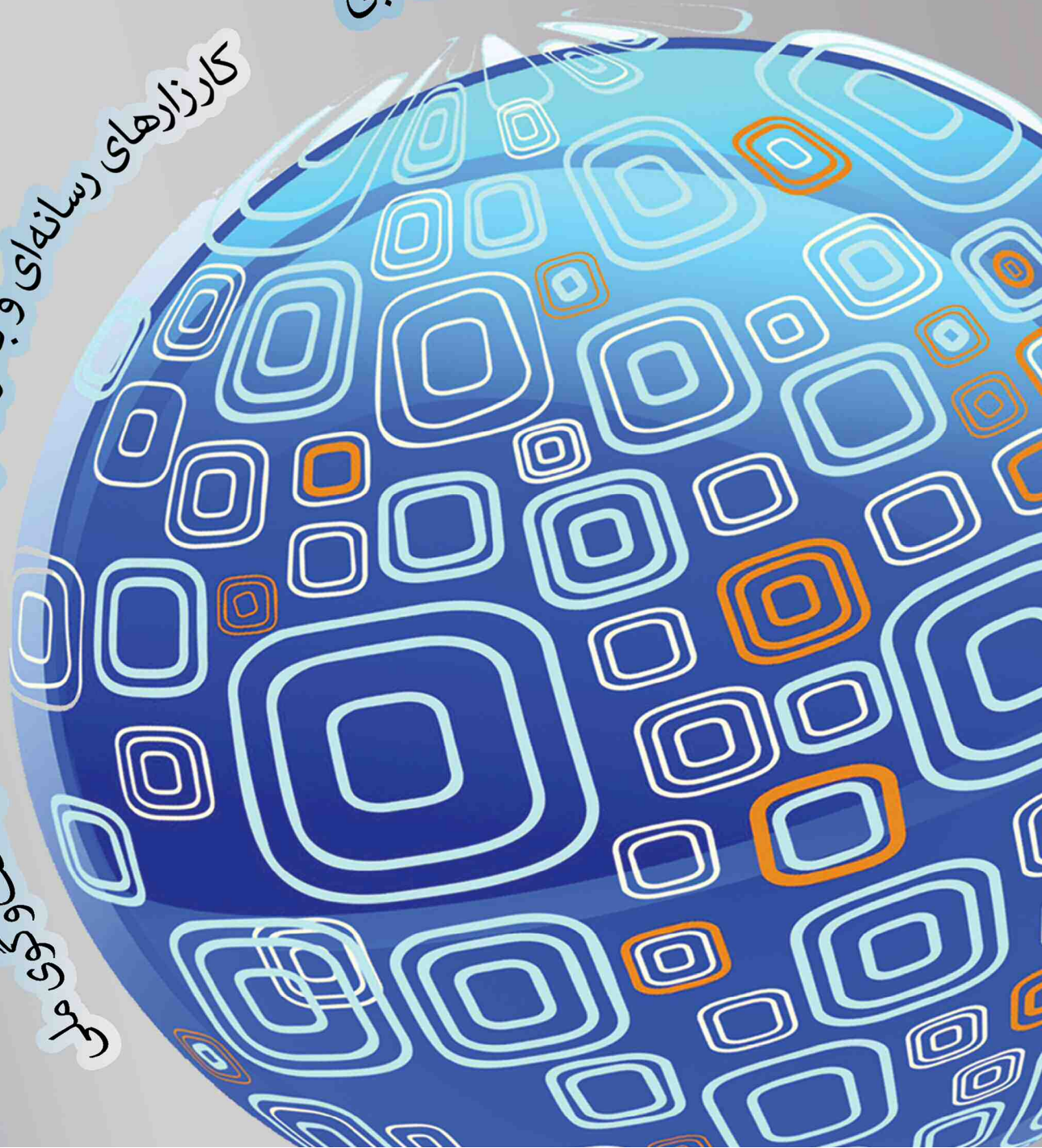


دیپلماسی آب و بحران‌های آبی

کارزارهای رسانه‌ای و بحران آب

آب، رسانه و گفت‌وگوی ملی





انديشكده تدبير آب ايران
اتاق بازرگاني، صنايع، معادن و كشاورزي كرمان

فصل نامه گفت و گوی آب

سال چهارم، شماره نهم، تابستان ۱۳۹۴

صاحب امتیاز: اندیشکده تدبیر آب ایران

سر دبیر: سید احمد علوی

امور اجرایی نشریه: دبیرخانه اندیشکده تدبیر آب ایران

طراحی و صفحه آرایی: سید احمد حسینی

نشانی: خیابان نجات الهی شمالی، روبروی بیمارستان محب یاس، پلاک ۲۱۲، طبقه ۴

تلفن: ۸۸۹۴۷۳۰۰ - ۸۸۹۴۷۴۰۰

www.iwpri.ir

کلیه حقوق این نشریه محفوظ و متعلق به اندیشکده تدبیر آب ایران می باشد.

مسئولیت محتوای مقالات بر عهده نویسندگان است.

انديشكده تدبير آب ايران از آبان ماه سال ۱۳۹۱ به عنوان یکی از زیرمجموعه های کمیسیون کشاورزی و آب اتاق بازرگانی و صنایع و معادن و کشاورزی کرمان به منظور توسعه ظرفیت ها و ایجاد فضای تعامل و گفت و گو میان ارکان مختلف جامعه، محیط کسب و کار و تشکیلات بخشی و فرابخشی مدیریت آب در کشور در مسیر بهبود حکمرانی آب تأسیس گردیده است.

فهم مشترک و جامع از مسئله آب

پیش‌نیاز حل مسئله آب



بازنگری در رویکردها و سیاست‌ها در حوزه آب زیرزمینی را در مقاله‌ای مختصر مطرح می‌کند. در ادامه معرفی یک کتاب و ارائه مطلبی درباره ردپای آب در تولید گوشت، به حوزه رسانه‌ها، محیط رسانه‌ای و کارزارهای رسانه‌ای نگاهی می‌اندازد.

جامعه مدرن مطرح است، اما درباره مسئله آب، به دلیل پیچیدگی، فرابخشی بودن و محلی بودن مسائل آب و عمومی جلوه دادن یک نوع نگاه و رویکرد در یک منطقه به تمام مناطق که مسائل آبی آنها بسیار متفاوت است، دستکاری کردن واقعیت مسئله آب بیشتر برجسته می‌کند. مسئله آب وجوه مختلفی دارد و در هر منطقه ممکن است یک بُعد از ابعاد دیگر غالب تر باشد. بنابراین، شناخت واقعی مسئله آب نیاز به ایجاد بستر مناسب برای گفت‌وگو برای رسیدن به فهم مشترک و حقیقت مسئله آب که مفهومی بین‌الذاتی است دارد. لزوم رسیدن به فهم واقعی و مشترک از مسئله آب در همه رویکردهای موجود برای آب چون حکمرانی آب، دیپلماسی آب و مدیریت تعارضات آبی گام اصلی و اساسی است. رسانه‌ها به عنوان حوزه عمومی جامعه، کمک زیادی در رساندن جامعه به فهم مشترک و جامع از مسئله آب می‌کند.

شماره نهم فصلنامه گفت‌وگوی آب با نگاهی به مسئله دریاچه ارومیه از منظر دیپلماسی آب شروع می‌شود و به تحلیل نشستی که اخیراً برای بررسی وضعیت بحران دریاچه ارومیه با رویکرد دیپلماسی آب برگزار شده می‌پردازد. سپس ابعاد بحران آب زیرزمینی و لزوم

درباره مسئله آب در کشور به همان اندازه که گفته‌ها بسیار است، ناگفته‌های آن نیز کم نیست. گوشتان را کمی که تیز کنید و چشمتان را گرد، صداهایی از گوش و کنار از مسئولین، صاحب‌نظران و فعالان دغدغه‌مند خواهید شنید و نوشتارهایی را در رسانه‌های رایج کشور خواهید دید که سعی می‌کنند از مسئله آب و دلایل و پیامدهای آن بگویند و منابع اطلاعاتی برای شناخت این مسئله در اختیار ما قرار دهند تا درک‌مان را درباره مسئله آب با این منابع شناخت شکل دهیم. اما مخاطب کنجکاو و نقاد با کمی تأمل به این نکته پی می‌برد که اگر ناگفته‌های مسئله آب را در کفه دیگر ترازو بگذاریم، با گفته‌های آن هم‌وزن خواهد بود. اما شناخت و درک صورت گرفته از طریق رسانه‌ها تا چه اندازه جامع و کامل است؟

در خصوص شناخت مسئله آب این پرسش کلیدی طرح می‌شود که آیا درکی از مسئله آب که توسط اطلاعات منتشرشده توسط رسانه‌ها شکل گرفته، درک درستی است؟ تصویر ارائه‌شده در رسانه‌ها تا چه اندازه به تصویر واقعی مسئله آب نزدیک است؟ آیا مسئله آب، آن‌گونه که در رسانه‌ها انعکاس می‌یابد، همان مسئله آب واقعی است؟ البته این پرسش‌ها برای همه موضوعات

دیپلماسی آب و بحران‌های آبی

آیا رویکرد دیپلماسی آب قادر است تا آینده جدیدی برای دریاچه ارومیه رقم بزند؟

نوشتار حاضر به گزارش رویداد دو روزه‌ای اختصاص دارد که با عنوان

“Can Water Diplomacy Enable a New Future for the Urmia Lake?”

به همت جمعی از دانشجویان ایرانی دانشگاه‌های MIT و Tufft، و نیز با حضور جمعی از متخصصین داخلی و بین‌المللی، به میزبانی این دو دانشگاه در تاریخ ۱۱ و ۱۲ تیرماه امسال برگزار شد. این کارگاه در حاشیه سفر هیئتی از متخصصین داخلی به امریکا با هدف بررسی تجارب این کشور در زمینه احیای تالاب‌ها و دریاچه‌ها برگزار شد. بخش عمده‌ای از مطالب این نوشتار برگرفته از خلاصه گزارشی است که توسط جمعی از شرکت‌کنندگان نشست منتشر شده است.

رویکرد دیپلماسی آب

رویکرد دیپلماسی آب بر پایه تفسیری اجتماعی از چالش‌های امروزی حوزه آب استوار است و این چالش‌ها را غالباً نتیجه تفاوت در دیدگاه‌ها و وجود ارزش‌های متعارض در سه حوزه اصلی مصرف‌کننده آب، تعیین مصرف و نحوه واگذاری آب می‌پندارد. رویکردی که تخصیص آب و تنظیم اهداف متعدد، رقیب و غالباً متعارض در حوزه آبریز را، تنها از طریق طرح و ارائه راهکارهای عرضه و تقاضامحور امکان‌پذیر نمی‌داند. این رویکرد در واقع، جایگزینی برای فن‌سالاری حاکم در مدیریت منابع آب ارائه داده و می‌کوشد تا از طریق بازتعریف مسئله در گستره موضوعات تصمیم‌گیری هماهنگ با ذینفعان متعدد، از طریق فرایند تصمیم‌گیری جمعی و مشارکت مؤثر ذینفعان، راهکارهای پایدار را برای چالش‌ها و بحران‌های آبی بیابد.

طرح موضوع

شرکت‌کنندگان در کارگاه، ضمن توافق بر بهره‌گیری از رویکرد دیپلماسی آب در تفسیر چالش حوضه آبریز دریاچه ارومیه، تلاش خود را بر صورت‌بندی مجدد حکمرانی آب در این حوضه معطوف داشته و با طرح پرسش‌های زیر درباره آن به بحث و تبادل نظر پرداختند:

۱. معضل تخصیص آب در حوضه دریاچه ارومیه در حال حاضر بر اساس چه نگرشی تفسیر می‌شود؟ آیا این نوع نگاه تاکنون ثمربخش بوده است؟ و در غیر این صورت ضرورت اصلاحات و بازنگری‌ها معطوف به چه بخش‌هایی است؟
۲. برای سنجش میزان موفقیت از چه معیارهایی استفاده شده است؟
۳. مسئله تخصیص آب در دریاچه ارومیه با چه تنگنایی مواجه شده است؟

۴. تغییر تخصیص آب در راستای تأمین نیازهای رقیب و متعارض و نیز تأمین تقاضای بخش‌های مختلف چگونه انجام خواهد شد؟

نکات برجسته و کلیدی

تحلیل بحران دریاچه ارومیه در قالب این رویکرد نوین، ضرورت توجه به برخی حوزه‌ها و موضوعات را که تاکنون کمتر مورد توجه قرار داشته، بیش از پیش برجسته ساخت. از این میان می‌توان به‌طور شاخص به مواردی چون عدم وجود تحلیل نهادی، میانجی، نقش کم‌رنگ آموزش و مشارکت، تکیه بر ظرفیت و تجربه نیروهای بومی و محلی و نیز استفاده از مدل‌های منطقی و ریاضی اشاره کرد. در ادامه هر یک از این موارد به اختصار تشریح می‌شوند.

گرو مشارکت تمامی ذینفعان در کلیه مراحل، از تشخیص مسئله تا شناسایی راهکارها است.

□ آموزش

ضرورت دارد که سمن‌ها و متولیان محلی از مشارکت ذینفعان بهره برده و آموزش‌های لازم را به آنها (بویژه کشاورزان) جهت تأثیرگذاری در مصرف آب بر دریاچه و اکوسیستم حوضه به آنها ارائه نمایند. در عین حال این گروه‌ها بایستی نسبت به نیازها و فعالیتهای عمومی ذینفعان آگاهی پیدا کنند. آموزش به‌ویژه در این مورد یک مسیری دوطرفه است که به تلاش‌های متقابل از هر دو سو نیاز دارد. در پایان، بایستی درک متقابلی از نیازها و محدودیت‌های هر دوطرف (ذینفعان و دستگاه‌های اجرایی) وجود داشته باشد. تنها در صورت وقوع چنین رخدادی است که می‌توان به دستیابی یک راهکار برد-برد امیدوار بود.

□ تکیه بر ظرفیت و تجربه نیروهای بومی و

جوامع محلی

عوامل سازمانی در سطوح و بخش‌های مرتبط و جوامع محلی باید فعالانه‌تر در فرایند تصمیم‌گیری مشارکت داده شوند. توصیه می‌شود که مؤلفه‌های نهادی اجتماعی برای تحقیق در این حوضه، اولویت بالاتری داشته باشند. مطالعات اجتماعی عمیق درباره جنبه‌های مختلف بحران دریاچه ارومیه وجود ندارد و این در حالی است که این مطالعات برای میانجی‌گری لازم هستند. سمن‌ها باید فعال‌تر شده و ارتباط میان دولت مرکزی با ذینفعان محلی را تقویت نمایند. باید نسبت به درس‌آموزی از تجربه‌های داخلی نیز اقدام شود. نمونه‌هایی وجود دارد که مسئولان محلی در مشارکت نزدیک با ذینفعان، موفق به حل مشکلات پیچیده‌ای در کشور شده‌اند.

خلاصه‌ای از نتایج بازدید از طرح‌های احیای دریاچه‌ها در ایالات متحده آمریکا

پیش از برگزاری این کارگاه، هیئت اعزامی از ایران مطابق برنامه از چهار دریاچه در آمریکا که با شرایطی کم و بیش مشابه دریاچه ارومیه مواجه بوده و فعالیت‌های احیای آنها در جریان بوده، بازدید داشته‌اند. مطالبی که به عنوان نتایج بررسی این گروه در کارگاه ارائه شد، حاوی نکات قابل تأملی بود که در ذیل به برخی از آنها اشاره می‌شود:

۱. برنامه‌ریزی‌های کلان و صرف هزینه‌های هنگفت نمی‌تواند تضمین‌کننده رفع مشکلات باشد.

۲. عدم مشارکت فعال تمامی ذینفعان (به ویژه کشاورزان)

۳. به رغم تمامی تلاش‌ها برای احیای تالاب‌ها و دریاچه‌ها (پایش گسترده کمی و کیفی، پشتیبانی مالی از طرح‌های احیا، مشارکت فعال سمن‌ها و نیز مشارکت بالای مردم)، به دلیل پیچیدگی‌های اکولوژیکی، تضمینی برای احیای آنها وجود ندارد.

به رغم تمامی تلاش‌ها برای احیای تالاب‌ها و دریاچه‌ها (پایش گسترده کمی و کیفی، پشتیبانی مالی از طرح‌های احیا، مشارکت فعال سمن‌ها و نیز مشارکت بالای مردم)، به دلیل پیچیدگی‌های اکولوژیکی، تضمینی برای احیای آنها وجود ندارد.

□ میانجی

در این کارگاه اهمیت وجود یک میانجی بی‌طرف برای جلب مشارکت ذینفعان با نیازهای رقیب و متعارض، هم در تحلیل مشکلات و هم ارائه راهکارها مورد تأکید قرار گرفت.

□ تحلیل نهادی

با مقایسه رویه‌های مدیریتی حاکم در دریاچه ارومیه با رویکرد پیشنهادی در این کارگاه، خلاء وجود «تحلیل نهادی» در حوضه آشکار گشت. تحلیلی که در آن، با شناسایی ذینفعان و پیشنهاد اصلاحات کارآمد، زمینه دخالت آنان در تصمیم‌گیری فراهم شود تا خودشان تصمیم بگیرند که چه چیزی برایشان مناسب‌تر است. سپس نهادهای جدید بایستی بر پایه انتخاب‌های جمعی و تکیه بر معیارهای اجتماعی و محیطی ایجاد شوند.

□ تعیین ارزش اکوسیستم

اکوسیستم ارومیه دارای ویژگی‌ها و ارزش‌های متعدد و منحصر به فردی است که برآورد و انتشار ارزش آنها اهمیت احیای آن را بیش از پیش برای جامعه برجسته می‌نماید. اهمیت این ارزش‌ها نباید منجر به نادیده گرفتن ارزش‌های سایر ذینفعان (به ویژه کشاورزان) و نیز از منظر نهادی شود. راهکارهای مشکلات پیچیده، ساده و آشکار نیستند. نباید الزاماً به دنبال احیای دریاچه با به کارگیری راهکارهای متداول و سهل‌الوصول باشیم. احیای دریاچه نیازمند راهکارهای خلاقانه و جدیدی است که ممکن است در هیچ نمونه مطالعاتی مشابهی استفاده نشده باشد.

□ مدل‌های منطقی و ریاضی

محافل تخصصی علوم آب به این اجماع رسیده‌اند که به رغم سودمندی مدل‌های منطقی و ریاضی در تحلیل مسائل، تکیه بر نتایج حاصل از آنها برای تصمیم‌گیری خطا است. این موضوع به ویژه درباره مدل‌های تصمیم‌گیری نیز صادق است. مسئله دریاچه ارومیه نباید با اتکای صرف به مدل‌های انتخاب منطقی حل شود. باید تمام ذینفعان را گرد هم آورد تا خود درباره آنچه که برایشان بهتر است تصمیم بگیرند. اجرای یک سیاست به نحو مطلوب، در

زلزله خاموش

بحران منابع آب زیرزمینی و بازنگری در سیاست‌ها

سید احمد خاتون آبادی (عضو هیأت علمی دانشگاه صنعتی اصفهان)
لطف‌الله ضیایی (عضو کمیته آب اتاق بازرگانی اصفهان)



بحران فاجعه‌باری، دشت‌ها و آبخوان‌های کشور را فراگرفته است. پیامدهای این بحران علاوه بر نابودی کمی و کیفی آبخوان‌ها، فرونشست سراسری دشت‌ها را در پی دارد که از آن به زلزله خاموش تعبیر می‌شود. متأسفانه این بحران پنهان از دیدگان است و اهمیت و بزرگی آن آنچنان که شایسته است، احساس نمی‌شود. در این نوشتار سیاست کلی و جاری در کشور در ارتباط با آب مورد نقد قرار می‌گیرد.

ابعاد بحران آب زیرزمینی کشور از زبان مسئولان

معاون دفتر آب و خاک سازمان محیط زیست کشور

«۷۰ درصد سفره‌های آب زیرزمینی کشور در ۱۰ تا ۱۵ سال گذشته تاکنون روبه کاهش هستند. این کاهش یعنی اینکه سطح آب سفره‌های زیرزمینی و آبخوان‌های کشور رو به کاهش است. آن چیزی که به عنوان بحران دریاچه ارومیه از آن یاد می‌شود، چند برابر آن در زیر زمین در حال وقوع است و علت آن استفاده بی‌رویه از منابع آب شیرین در کشور است.»

مدیر امور زمین‌شناسی، مخاطرات زیست محیطی سازمان زمین‌شناسی کشور (محمدجواد بلورچی)

«۳۰۰ دشت از ۶۰۰ دشت کشور در معرض خطر اُفت شدید منابع آب و فرونشست زمین قرار دارند. فرونشست پدیده‌ای بدون بازگشت است که در نیمی از دشت‌های کشور اتفاق افتاده است. فرونشست زمین مانند سرطان خاموشی است که کسی متوجه آن نمی‌شود و در آن امکان از دست‌دادن زمین برای همیشه اتفاق می‌افتد.»

مقام مسئول در وزارت نیرو (محمدعلی مصطفوی - چهارم اسفند ۹۳)

«از ۶۰۹ دشت و محدوده مطالعاتی کشور هم‌اکنون ۳۱۷ دشت جزء مناطق ممنوعه و بحرانی است که این تعداد در سال ۱۳۹۲ حدود ۲۹۷ دشت بوده است. طی ۱۵ سال گذشته حدود ۸۰ میلیارد متر مکعب و در هفت سال گذشته حدود ۳۸ میلیارد متر مکعب از ذخایر آب زیرزمینی نابود شده که این اقدام یعنی خسران به سرمایه ملی.»

اگرچه تعداد برداشت‌ها از ۷۳۷ هزار و ۸۳۷ قفره در سال ۸۵-۱۳۸۴ به ۹۸۵ هزار و ۳۰۸ قفره در سال ۹۲-۱۳۹۱ افزایش یافته ولی حجم آب برداشتی کاهش یافته و از ۷۹ میلیارد مترمکعب به ۶۴ میلیارد مترمکعب کاهش یافته است. این کاهش از آغاز مرگ و نابودی تدریجی آبخوان‌ها خبر می‌دهد. این روند همچنان ادامه دارد و در سال‌های آینده نیز همزمان با تخریب و نابودی کمی و کیفی آبخوان‌ها، کاهش هر چه بیشتر آبدهی چاه‌ها، چشمه‌ها و قنوات گریزناپذیر خواهد بود.

اقدامات و برنامه‌ریزی‌ها برای مقابله با بحران آب زیرزمینی کشور

بر مبنای اظهارنظرها و برنامه‌ریزی‌ها و اقدامات در دست انجام، برنامه‌های دولت برای مقابله با بحران آب زیرزمینی کشور عبارتند از:

- جلوگیری از حفر چاه‌های غیر مجاز؛
- تلاش برای جلوگیری از برداشت‌های غیر مجاز؛
- کنترل برداشت آب از طریق نصب کنتورهای هوشمند؛

دلایل ناکافی بودن اقدامات و برنامه‌های دولت در مقابله با بحران آب زیرزمینی

چنین برداشت می‌شود که علت بحران پدیدآمده، برداشت از طریق چاه‌های غیرمجاز از منابع آب زیرزمینی است. اما به این واقعیت مسلم توجه نمی‌شود که مجوزهای صادرشده بیش از توان اکولوژیک دشت‌های کشور است و عامل بحران تنها ناشی از برداشت‌های غیرمجاز نیست. جلوگیری از برداشت‌های غیرمجاز، بحران آب زیرزمینی کشور را به تنهایی چاره نمی‌کند. فراموش نشده است که در سال ۱۳۸۵ با تصویب مجلس شورای اسلامی با یک مصوبه کلیه چاه‌های غیرمجاز تا آن تاریخ - یعنی ۱۰۳ هزار حلقه چاه غیرمجاز - مجاز شمرده شدند، بدون آن‌که توان اکولوژیک دشت‌ها مورد بررسی قرار گیرد. بنابراین به صرف این‌که تشریفات اداری لازم برای صدور پروانه حفر و بهره‌برداری از چاه طی شده باشد، نمی‌توان ادامه برداشت چاه‌های مجاز را بی‌خطر و بدون زیان برای آبخوان‌ها تلقی کرد. سیاست نصب کنتور هوشمند و جلوگیری از برداشت مازاد بر پروانه نیز اگرچه شتاب‌نابودی آبخوان‌ها را کاهش می‌دهد، ولی از آنجا که میزان مندرج در پروانه بیش از توان اکولوژیک دشت‌ها است، عملاً روند تشدید بحران را متوقف نمی‌کند.

سیاست عمده جاری در کشور، عامل تشدید و تداوم بحران

الف- در حال حاضر بهای برق برای پمپاژ آب در بخش کشاورزی با یارانه زیاد محاسبه می‌شود. میزان یارانه پرداختی دولت به حدی است که عملاً قیمت برق محاسبه‌شده در بخش کشاورزی کمتر از سه درصد بهای تمام‌شده برق است. این سیاست به منزله به کارگرفتن سازوکارها و مشوق‌های مالی برای تشویق کشاورزان به برداشت هر چه بیشتر آب است. نتیجه چنین سیاستی آن شده است که پمپاژ آب آبخوان‌ها از اعماق ۳۰۰ متری و پمپاژ آب از منابع سطحی تا ارتفاع ۶۰۰ متری صورت بگیرد و برای کشاورز از نظر اقتصادی مقرون به صرفه باشد. تحویل حامل‌های انرژی در بخش کشاورزی به قیمت تمام‌شده راهکار مؤثری است که بسیاری از پمپاژها را غیراقتصادی می‌کند. بدیهی است برای کشاورزانی که با اجرای این سیاست اصولی، با کاهش سطح کشت و از دست‌دادن درآمد روبرو خواهند شد، اتخاذ سیاست‌های حمایتی از جمله پرداخت یارانه خرید برای محصول نهایی کشاورز و نیز سیاست‌های اشتغال‌زایی ضرورت خواهد داشت.

ب- دیگر سیاست جاری در کشور درباره توسعه روش‌های نوین آبیاری تحت فشار با هدف‌گذاری صرفه‌جویی در مصارف آب، بر خلاف پیش‌بینی‌ها در عمل موجب تشدید بحران آب زیرزمینی در کشور می‌شود. این سیاست که با پرداخت ۶۵ تا ۸۵ درصد هزینه‌های اجرای سامانه‌های آبیاری تحت فشار به صورت پرداخت بلاعوض دولتی و مابقی به صورت تسهیلات بانکی کم‌بهره در دست اجرا است، در واقع هزینه‌های سنگینی را به بودجه عمومی تحمیل می‌کند. این سیاست به دلایلی که ذکر خواهد شد نه تنها وضعیت آبخوان‌ها را بهبود نخواهد داد بلکه موجب تشدید بحران آب زیرزمینی کشور شده است و خواهد شد:

□ توسعه کشت از محل کاهش حجم فرونت عمقی

با تغییر روش آبیاری سطحی و جایگزین کردن روش‌های نوین آبیاری تحت فشار، حجم فرونت عمقی آبیاری کاهش می‌یابد و یکی از منابع تغذیه آبخوان‌ها قطع می‌شود. در واقع نتیجه عملی سیاست جاری دولت در زمینه توسعه روش‌های نوین آبیاری تحت فشار، تداوم برداشت آب از آبخوان‌ها به میزان گذشته و توسعه کشت از محل جلوگیری از تلفات فرونت عمقی و تغذیه آبخوان‌ها بوده است.

جمع‌بندی

در این نوشتار نشان داده شد که سیاست‌های جاری در کشور در ارتباط با آب، خود عامل تشدید و تداوم بحران آب زیرزمینی در کشور هستند. همچنین نشان داده شد تا زمانی که سیاست‌های جاری کشور مورد تجدید نظر جدی قرار نگیرند، تلاش‌ها و برنامه‌ریزی‌های در دست انجام مسئولان کشور برای مقابله با بحران آب زیرزمینی بی‌نتیجه خواهد بود.

در این نوشتار همچنین با نقد نگرش عمومی و رایج مبنی بر اینکه برداشت‌های غیر مجاز از منابع آب زیرزمینی علت بروز بحران است، ضمن بازتعریف برداشت مجاز و غیرمجاز با در نظر گرفتن توان اکولوژیک دشت‌ها، نشان داده شد حتی با حذف کامل برداشت‌هایی که با تعریف قراردادی موجود، غیرمجاز نامیده می‌شوند، روند تخریب و نابودی آبخوان‌ها متوقف نمی‌شود و با شتاب کمتر تداوم خواهد یافت.

مأخذ: روزنامه شرق

افزایش تلفات تبخیر آب در روش آبیاری بارانی

حدود ۸۵ درصد اراضی کشاورزی کشور به کاشت محصولات زراعی اختصاص دارد. بخش عمده‌ای از اراضی زراعی کشور پس از اجرای سامانه‌های نوین آبیاری تحت فشار با سامانه آبیاری بارانی مورد بهره‌برداری قرار می‌گیرند. در سامانه آبیاری بارانی تلفات تبخیر آب مصرفی در مقایسه با آبیاری سطحی و سنتی افزایش می‌یابد.

افزایش مصارف آب در اثر بالابردن راندمان آبیاری

تحقیقات انجام‌شده در کشورهای دیگر نشان می‌دهد که افزایش راندمان آبیاری نه تنها منجر به کاهش مصارف آب نمی‌شود، بلکه باعث افزایش مصارف آب نیز می‌شود. برای نمونه گزارش شده است که «تبخیر و تعرق گیاه با استقرار آبیاری قطره‌ای ۶ تا ۱۰ درصد بیش از روش آبیاری سطحی است.» در پژوهشی دیگر، سه مکانیسم افزایش حجم آب مصرفی در اثر اصلاح تکنولوژی آبیاری یا بهبود مدیریت، به شرح زیر نام برده شده است:

- آبیاری قطره‌ای قسمت محدودتری از خاک را آبیاری می‌کند، ولی این محدوده در مدت طولانی‌تری خیس است.
- حجم آب صرفه‌جویی شده صرف توسعه کشت می‌شود.
- افزایش تولید محصول موجب افزایش حجم آب مصرفی می‌شود، حتی اگر توسعه‌ای صورت نگرفته باشد.



کافه کتاب

معرفی و نقدی بر کتاب «آب پنهان»

عنوان کتاب: آب پنهان، نگاهی متفاوت به گرانبهاترین دارایی زمین (جلد اول)
نویسنده: تونی آلن
برگردان: آرش حسینیان، با همکاری مریم پیرمی، مجوبه خوبشانی و میترا مکاسبی
ناشر: نشر مثلث
تاریخ چاپ: ۱۳۹۴
تعداد صفحات: ۲۰۷
تیراژ: ۱۱۰۰ نسخه

آرش حسینیان

و حیاتی آبی‌شان بردارند و با در پیش گرفتن داد و ستد غذایی با برنامه و حساب شده با کشورهای ثروتمند از نظر آب، از طریق واردات و صادرات آب پنهان، امنیت آبی و غذایی کشورهایشان را تأمین کنند. علاوه بر این، الن از دولت‌ها می‌خواهد با اقداماتی نظیر ارائه مشوق‌ها، حمایت از قیمت‌ها و نظارت بر صادرات و واردات مواد غذایی، به‌طور جدی دست کشاورزان و دام‌پروران کشورشان را بگیرند - چراکه آنها بدون حمایت دولت، انگیزه و توان لازم برای ایفای صحیح نقش حیاتی‌شان را ندارند.

■ نهادهای بین‌المللی

آلن از نهادهای بین‌المللی نظیر بانک جهانی، سازمان ملل و صندوق بین‌المللی پول می‌خواهد تا از طریق سرمایه‌گذاری‌های معقول و رایزنی‌های سیاسی به کشورهای بسیار فقیر و رو به وخامت نظیر اتیوپی یاری رسانند چرا که بهبود وضعیت آبی و غذایی این کشورها جدا از جنبه‌های انسان‌دوستانه، به تأمین امنیت آبی و غذایی کل جهان نیز یاری خواهد رساند.

نقدی کوتاه بر دیدگاه‌های آلن

اگرچه آلن هنگام بررسی وضعیت چین به اهمیت تردیدناپذیر مسئله جمعیت در مدیریت آب‌های منطقه‌ای و جهانی اشاره می‌کند و عنوان می‌کند که چین با سیاست تک‌فرزندی‌اش دنیا را نجات داده است و مانع آن شده که ۳۵۰ میلیون نفر دیگر (یک ایالات متحده دیگر) بر گرده منابع آب جهان سوار شود، اما در ادامه کتاب رویکردی محافظه‌کارانه در پیش می‌گیرد و از لزوم اجرا و امکان‌پذیری هر نوع سیاست‌گذاری جمعیتی - خواه از نوع نرم یا سخت - صحبتی به میان نمی‌آورد. این در حالی است که «اضافه جمعیت» تنها عامل اصلی و ژرف‌ترین علت بحران‌های رخ داده و پیش رو در وضعیت آب منطقه‌ای و جهانی است و خردمندانه‌ترین اقدام چه در سطح فردی و ساختاری، تلاش برای مدیریت همان متغیری است که اساساً به وجود آورنده این بحران بوده است. به همین شکل، آلن به قدر کافی روشن نکرده است که در بازی کنونی اقتصاد منطقه‌ای و جهانی - که بیش از همه در سیطره دست نامرئی بازار و منافع ابرشرکت‌ها و نهادهای قدرتمند قرار دارد و در آن سیاست‌های متمرکز و نظارت‌محور و همین‌طور منافع کشورهای ضعیف در بهترین حالت نقشی حاشیه‌ای دارد - با چه امید و چه نوع ضمانت اجرایی می‌توان از اهرم داد و ستد آب پنهان به شکلی کارآمد بهره گرفت و آب را از کشورهای پرآب به کشورهای کم‌آب - و نه برعکس - جابجا کرد. چرا که همان‌طور که خود آلن بارها در کتاب عنوان کرده «آب از سربالایی‌های پول و قدرت بالا می‌رود» و از این رو، این نگرانی وجود دارد که هنگام حرکت از نظریه به عمل، مبدا منطق سوداندیشانه و لحظه‌بین بازار آزاد و سرمایه، جایی برای داد و ستد آینده‌نگر و زیست‌بوم‌محور باقی نگذارد.

مروری بر دیدگاه‌های طرح‌شده در کتاب

تونی آلن در این کتاب، پس از معرفی مفهوم آب پنهان در دو فصل ابتدایی و صحبت از فواید داد و ستد آب پنهان در کمک به مدیریت آب کشورهای جهان، در قالب سه فصل به بررسی وضعیت آب در کشورهای توسعه‌یافته، در حال توسعه، و توسعه‌نیافته می‌پردازد و سپس توضیح می‌دهد که ما در مقام کنش‌گر یا نهادهای ساختاری چطور می‌توانیم در زمینه آب اقداماتی راهگشا صورت دهیم. او مخاطبان را به سه دسته تقسیم می‌کند:

■ شهروندان

آلن از شهروندان می‌خواهد که به جای مشغولیت با کارهای مثبت اما کم‌اثری همچون سفت کردن شیر آب، یا آجرگذاشتن در سیفون، به نوع رژیم غذایی‌شان توجه کنند، چرا که حدوداً ۹۰ درصد از آب مصرفی جامعه صرف تولید مواد غذایی می‌شود. او از شهروندان می‌خواهد که در عادات خرید و تغذیه خود تغییر ایجاد کنند و سهم محصولات حیوانی یا گیاهی آب‌بر را در رژیم‌شان کاهش دهند. برای نمونه نشان می‌دهد که در یک رژیم گیاهی، حدوداً نصف یک رژیم حیوانی آب به کار رفته است. همچنین بر این باور است که شهروندان از طریق الگوی خریدشان قادرند بر رفتار ابرشرکت‌های غذایی و همین‌طور دیگر واحدهای تولیدی تأثیر بگذارند و به این شکل نیز در جریان کلی امور مؤثر واقع شوند.

■ سیاست‌گذاران

آلن از سیاست‌گذاران و حاکمان به‌ویژه در کشورهای کم‌آب می‌خواهد تا به جای تکیه بر اقدامات سازه‌ای (سدسازی یا طرح‌های انتقال آب) یا شعارهایی نظیر «خودکفایی ملی»، دست از تهی‌سازی و تخریب منابع ارزشمند

بخش‌هایی از کتاب

«در گذشته، اگر درک انسان از سیستم‌های گیاهی و آبی نادرست بود چندان اهمیت نداشت. مگر چه می‌شد اگر درک درستی از چگونگی بارش باران یا محل تأمین آب چاه‌ها وجود نداشت؟ هیچ. طبیعت کار خودش را انجام می‌داد و بشر نیز نفع می‌برد. ما خود را این‌طور فریب می‌دادیم که خردمندانه در حال بهره‌گیری از منابع طبیعت هستیم اما این واقعیت نداشت. مسئله تنها این بود که اثر ما بر طبیعت آن قدر نبود که کج فهمی مان بتواند تأثیری بر کل ماجرا بگذارد. اما امروز در حالی که تأثیرمان بسیار بیشتر از گذشته است، رفتارمان خردمندانه‌تر از گذشته نیست.»

«همان‌طور که سطحی‌نگری مان باعث شده سیاره‌ای را که بیشترش با آب پوشیده شده است کره خاکی بنامیم، به همان شکل از این واقعیت غافلیم که ما علاوه بر مقدار آبی که می‌نوشیم، مقدار زیادی هم آب می‌خوریم. منظور همان آبی است که در تولید مواد غذایی مان به کار رفته است و ما نامش را آب پنهان می‌گذاریم. برای مثال، برای تولید هر کیلو گوشت گاو چیزی در حدود ۱۵ هزار لیتر آب مصرف می‌شود. به همین شکل، از این نکته غافل بوده‌ایم که داد و ستد مواد غذایی بین مناطق و کشورها نیز به معنای داد و ستد آب است، چرا که در فرایند تولید مواد غذایی، آب فراوانی به کار رفته است. برای مثال، برای تولید هر تن غلات، حدود ۱۰۰۰ مترمکعب آب به کار رفته است؛ از این رو، صادرات یا واردات گندم به معنای نقل و انتقال مقادیر هنگفتی آب نیز هست.»

امروز، مفهوم آب پنهان به ما امکان می‌دهد تا اثر جمعی خود را بر امنیت آب در مقیاس ملی و همین‌طور جهانی درک کنیم و بهبود بخشیم.

تولید گوشت تنها به زندگی یک گاو

پایان نمی‌دهد!



میراث آفرینی

تولید گوشت گاو ده برابر تولید دیگر انواع گوشت به محیط زیست زیان می‌رساند. برای تولید یک کیلو گوشت گاو حدود ۱۵ هزار و ۵۰۰ لیتر آب مصرف و ۳۵ کیلو گرم دی‌اکسید کربن تولید می‌شود.

شیوه تغذیه ما تنها موضوعی خصوصی نیست، بلکه هر وعده غذایی که انتخاب می‌کنیم تأثیر بسیاری در زندگی مردم سراسر جهان، محیط زیست، تنوع زیستی و وضعیت آب و هوایی می‌گذارد.

مصرف کمتر گوشت می‌تواند به راحتی به حفاظت از ذخایر آبی، جنگل‌ها، زمین‌های زراعی، وضعیت آب و هوا و تنوع زیستی کمک کند. در مقابل، مصرف بالای گوشت موجب می‌شود که تولید صنعتی آن نیز در مقیاس بالا انجام گیرد.

گوشت‌هایی که در مقیاس بالا تولید می‌شوند نه تنها به دلیل آنتی‌بیوتیک و هورمونی که در تولیدشان استفاده می‌شود برای بدن انسان سالم نیستند، بلکه به محیط زیست نیز صدمات فراوانی وارد می‌کنند. همچنین برای سیر کردن شمار زیادی از دام‌ها، در علفه آنها از مواد شیمیایی استفاده می‌شود که برای محیط زیست و سلامت انسان زیان‌آور هستند.

افزایش بی‌رویه مصرف گوشت و آسیب‌های زیست محیطی مصرف گوشت در جهان از سال ۱۹۶۰ تاکنون ۲۴ درصد افزایش یافته است و عمدتاً تقاضای بالای کشورهای ثروتمند مانند آمریکا به این مصرف دامن زده است. به گزارش سازمان کشاورزی و تغذیه وابسته به سازمان ملل متحد، ۳۰۸ میلیون تن گوشت در سال ۲۰۱۳ در سطح جهان تولید شده است که این میزان در مقایسه با تولید پنج دهه گذشته چهار برابر افزایش یافته است.

بنا بر تحقیقات مؤسسه World Watch در واشنگتن، رشد مداوم تولید گوشت در سراسر جهان هزینه‌های جبران‌ناپذیری برای محیط زیست دربردارد. بر اساس گزارش این مؤسسه، ۷۰ درصد زمین‌های کشاورزی در دنیا تبدیل به مرتع شده‌اند و ده درصد دیگر این زمین‌ها برای کشت غذای دام استفاده می‌شوند.

از آنجایی که مصرف گوشت در سال‌های اخیر رشد صعودی داشته است، دیگر شیوه‌های طبیعی و سنتی پاسخگوی نیازهای موجود نیستند. امروزه از شیوه‌های نوین صنعتی برای تولید انبوه گوشت استفاده می‌کنند اما این شیوه‌ها به بخش بزرگی از طبیعت آسیب رسانده‌اند، زیرا با قطع بسیاری از درختان، جنگل‌ها به مراتع تبدیل شده‌اند. همچنین برای آبیاری این مراتع به حجم بالایی از آب نیاز است.

یکی دیگر از مشکلات اساسی در صنعت تولید گوشت، مسئله آب است. سازمان ملل در گزارشی درباره بحران آب هشدار داده و اعلام کرده است که اگر مصرف آب به صورت فعلی ادامه پیدا کند، کره زمین در سال ۲۰۳۰ با بحران جدی کم‌آبی مواجه خواهد شد. این در حالی است که برای تولید هر یک کیلو گوشت گاو حدود ۱۵ هزار و ۵۰۰ لیتر آب مصرف می‌شود.

تولید گوشت قرمز افزون بر آنکه به بحران آب دامن می‌زند، باعث می‌شود گازهای گلخانه‌ای پنج برابر بیش از تولید دیگر گونه‌های گوشت آزاد شوند. خسارات ناشی از تولید گوشت قرمز زیاد است، به طوری که حجم دی‌اکسید کربن آزاد شده برای تولید یک کیلو گوشت قرمز را با طی مسافت ۲۵۰

کیلومتر با یک خودرو مقایسه می‌کنند. دانشمندان ژاپنی نحوه تولید گازهای گلخانه‌ای در جریان تولید گوشت را مورد مطالعه قرار داده‌اند. بر اساس پژوهش آنان، تنها یک گاو از بدو تولد تا روزی که کشته می‌شود حدود ۳۵ کیلو گرم دی‌اکسید کربن تولید می‌کند.

محاسبه‌گر دی‌اکسید کربن که وزارت محیط زیست بایرن آلمان طراحی کرده نشان داده است که گوشت‌خوارها سالانه ۸۲/۱ تن دی‌اکسید کربن تولید می‌کنند. این در حالی است که سهم گیاه‌خواران در تولید این گاز کمتر از یک تن در سال است.

شایان ذکر است که بسیاری از پژوهشگران در زمینه تغذیه و حفاظت از محیط زیست نه به نفس تغذیه از گوشت قرمز بلکه به تولید انبوه آن انتقاد می‌کنند. برای نمونه «اطلس گوشت» که مجموعه‌ای از تحقیقات دانشمندان درباره تولید و مصرف گوشت است به این مسئله اشاره می‌کند که مصرف بهینه گوشت نه تنها برای محیط زیست زیان‌آور نیست بلکه فوایدی هم دارد.

فعالان محیط زیست معتقدند اگر به گوشت به عنوان یک کالای لوکس نگاه کنیم که لزومی ندارد هر روز بر سر سفره‌مان باشد، و اگر مصرف آن را به هفته‌ای دو یا سه بار کاهش دهیم، می‌توانیم قدمی در جهت حفاظت از محیط زیست و در نتیجه سلامت شخصی‌مان برداریم.

کارزارهای رسانه‌ای

و بحران آب

در ایران

متن حاضر با توجه به ابعاد چهارگانه ارتباط مسئله رسانه و آب- کارکرد رسانه، ارتباطات زیست‌محیطی، ارتباطات بحران و مدیا کمپین- تلاش دارد که بر روی مورد آخر یعنی مدیریت کارزارهای رسانه‌ای متمرکز شود. این متن با برشمردن و توضیح مراحل مختلف مدیریت کارزارهای رسانه‌ای، شناخت وضع موجود، طراحی و تولید محتوای کارزار و در نهایت ارزیابی محتوا، این سؤال را مطرح می‌کند که بحران آب با چه مسائلی روبرو است که نمی‌توان برای آن مدیا کمپین طراحی کرد؟. با توجه به مراحل طراحی مدیریت کارزار رسانه‌ای، از جمله دلایل امر، تنوع و بعضاً تنازع صورت‌بندی‌های مختلف از مسئله آب و نبود تصویر روشن از مسئله آب در ایران است. درخصوص طراحی کارزار هم نبود شناخت از مخاطب ایرانی از جمله چالش‌های اصلی آن می‌باشد. در نهایت نبود امکان نظارت و ارزیابی در ساختار رسانه‌ای در ایران موجب می‌شود که ارزیابی محتوای کارزارهای رسانه‌ای در عمل ممکن نباشد.

که ارزش‌ها در شرایط اقتصادی و سیاسی و فرهنگی بسیار طولانی شکل گرفته‌اند و بنابراین آثار اقدام برای تغییر در لایه‌های زیرین نظام شخصیت و روابط فرهنگی و غیره ممکن است چند دهه بعد هویدا شود.

مرحله دوم: طراحی و تولید محتوای کارزار است. برای اینکه بتوان این مرحله را به درستی طی کرد، ابتدا باید جامعیت، دقت، کامل و به‌روز بودن در آن رعایت شود. یعنی باید مجموعه عوامل فراملی، ملی، منطقه‌ای و محلی مربوط به اقلیم، متغیرهای جمعیتی و مسایل امنیتی لحاظ شوند. در مرحله بعدی باید شناخت دقیق از مخاطب و نحوه ادراک، دریافت، معناشناسی، ارزش‌ها و نحوه نگرستن‌شان به مفهوم حیات و زندگی روزمره وجود داشته باشد. سپس باید شناخت دقیق درباره رسانه‌ها، ظرفیت رسانه‌ها و نوع بهره‌وری مخاطبان از رسانه‌های مختلف و زمان و مکان رسانه‌های متفاوت وجود داشته باشد و در این شرایط است که تلاقی بین اطلس جغرافیایی، سیاسی و فرهنگی مخاطبان با اطلس رسانه‌ای



مسئله رسانه و آب حداقل از چهار زاویه قابل بررسی است که هر کدام به لحاظ نظری و رویکرد قالب متفاوتی دارد:

۱) کارکرد رسانه‌ها، اثرات محتوای رسانه‌ای بر رفتار مخاطب و مصرف‌کنندگان بررسی می‌شود؛

۲) ارتباطات زیست‌محیطی؛

۳) ارتباطات بحران به‌ویژه ارتباطات بحران طبیعی مثل خشکسالی؛ و

۴) مدیریت کارزارهای رسانه‌ای (مدیا کمپین).

در این نوشتار با تکیه بر زاویه دید چهارم به مسئله نگاه می‌شود و چه باید کرد را می‌کاود.

کارزار رسانه‌ای یعنی چه؟ کارزار یعنی مجموعه‌ای هدفمند از فعالیت‌های معطوف به تولید محتوای رسانه‌ای که با هدف ایجاد تغییرات مشخص در جهان واقعی (و به واسطه ایجاد تغییراتی در نگرش و رفتارهای مخاطبان و به اصطلاح کنشگران اجتماعی) انجام می‌شود، یعنی مجموعه هم‌بسته‌ای از محتوایی طراحی و تولید و عرضه می‌شود که هدف آن‌ها ایجاد تغییر در رفتار، دانش و آگاهی و گرایش و کنش مخاطبان است - حال نخبگان و سیاست‌گذاران یا توده‌های مردم. برای طراحی و اجرای کارزار رسانه‌ای باید از سه مرحله عبور کرد:

مرحله اول: شناخت وضع موجود است

مبنی بر اینکه مسئله واقعاً چیست؟ این مرحله باید صریح، روشن، دقیق و جامع صورت گیرد. ارزیابی این مرحله ما را متوجه می‌سازد که چرا کمپین‌های موفق در حوزه آب تاکنون طراحی و اجرایی نشده است. مسئله چیست؟! می‌گویند ۸ هزار سال آب به بهترین نحو استحصال می‌شد، حال آن که ۸ هزار سال جمعیت ۸۰ میلیونی وجود نداشته است. لذا باید دید که مسئله چیست؟ و چقدر قابل تغییر است؟ چرا که اگر مسئله خارج از اراده و اختیار انسان باشد به هیچ وجه برای آن روشی وجود ندارد.

باید به این پرسش پاسخ داد که چه میزان از مسئله قابل تغییر است؟ و توسط چه ابزار و مهارت‌هایی قابلیت تغییر وجود دارد؟ مباحثی وجود دارد که صرفاً مهندسین و شرکت‌های مشاوره بدان اشراف دارند، مانند دانش زمین‌شناسی، دانش آب و هوا و اقلیم‌شناسی و آثاری که این دانش‌ها در سیاست‌گذاری کلان آب می‌گذارند. همچنین اطلاعاتی وجود دارد که قانون‌گذاران باید از آن مطلع باشند، مانند عدم تأمین حقایق کشور از منابع ورودی توسط کشورهای همسایه و نیز برنامه‌های توسعه آب کشورهای همسایه در میان‌مدت و ... و بخشی از مباحث که به شهروندان و توده مردم مربوط می‌شود.

همچنین باید توجه کرد که هر نوع تغییری را در هر مدت زمانی نمی‌توان انجام داد، چرا

معنا پیدا می‌کند و می‌توان با کمترین هزینه بیشترین توفیق را در ارسال پیام به مخاطب داشت.

مرحله سوم: ارزیابی محتوا است، یعنی

سنجش محتوای تولیدشده در میدان عمل. حال بحث آب با چه مشکلاتی روبرو است که نمی‌توان برای آن مدیا کمپین مطلوب طراحی کرد؟ برای جواب به این پرسش باید مجدد از خود پرسید که واقعا مسئله آب چیست؟ آیا واقعا مسئله خشک و نیمه‌خشک بودن اقلیم ایران و یا بخشی از مناطق ایران است؟ متأسفانه در ایران گزارش جامع‌الاطرفی درباره بحران آب که بتوان بر آن مهر تأییدی

زد و برآیند تمام منافع سازمانی، نهادی، صنعتی، شخصی، حزبی و جناحی باشد وجود ندارد. متأسفانه صاحبان صنعت، مسئله را به یک نحو طراحی می‌کنند، صاحبان قدرت و قانون‌گذار به نحوی دیگر، شرکت‌های مهندسی مشاور و شهروندان نیز به همین ترتیب و به هر حال هر گروهی استراتژی مجزایی برای خودش طراحی می‌کند، فارغ از توجه به سایر گروه‌ها. همین موضوع باعث شده که تصویر روشنی از مسئله آب در ایران شکل نگیرد. آیا واقعاً مسئله سدسازی و جایابی‌های اشتباه است؟ آیا واقعاً مسئله استراتژی‌های غلط در بهره‌برداری‌های منابع آب زیرزمینی است؟ حال آنکه آمایش سرزمین می‌گوید که بایستی جمعیت را به سمت استان‌های مرکزی، شرقی و جنوبی نیز سوق داد. از این رو، نیاز به کمیته‌ای ملی برای مطالعات کلان وجود دارد، تا با بررسی ابعاد مختلف مطالعات گذشته‌نگری و آینده‌نگری، مطالعات امنیتی، سیاسی، ملی و منطقه‌ای بتوان تشخیص داد که واقعیت مسئله چیست.

مرحله بعدی در طراحی کارزار، شناخت از مخاطبان و هدف‌گذاری برای آن است. متأسفانه مخاطب ایرانی، یکی از مجهول‌ترین پدیده‌ها است. تئوری‌های روانشناسی، جامعه‌شناسی و ارتباطات در مواجهه با انسان ایرانی دچار چالش می‌شود و در بهترین حالت صرفاً پرسش‌های بیشتری مطرح می‌شود. انسان ایرانی قواعد رفتاری و معرفی دارد که در

هیچ کدام از تئوری‌های غربی به درستی توضیح داده نشده است. لذا ادراک رفتار و نگرش بر اساس تئوری‌های علمی میسر نمی‌شود. بنابراین برای ادراک و دریافت مخاطب ایرانی نیاز به مطالعات کیفی و ارزش‌شناسانه و عمقی است که متأسفانه بدان توجهی نمی‌شود.

مرحله آخر، ارزیابی تولید و اثربخشی محتوا با توجه به بهره‌وری مالی است. حال آنکه در هر ساختار رسانه‌ای در ایران، تعداد محدودی آدم مشغول به فعالیت‌های تکراری هستند آن هم بدون امکان نظارت و ارزیابی در مورد تولیدات. بنابراین دانشگاه، محقق، رسانه خصوصی و تمام سیاست‌گذاران خارج از حیطه‌ای هستند که بتوانند کوچکترین اثری در طراحی و شناخت مخاطب داشته باشند.

در ادامه بحث و این که چرا رسانه‌ها اعم از دولتی و خصوصی نمی‌توانند به صورت اثربخش ایفای نقش کنند، باید به مجموعه عوامل درون‌سازمانی و بیرون‌سازمانی رسانه‌ها اشاره کرد. رسانه‌ها در ایران عمدتاً دولتی هستند. رسانه‌های خصوصی، شبه‌دولتی، یا عمومی نیز توسط مدیران نامرتب با حوزه رسانه اداره می‌شوند. بنابراین رسانه‌ها به لحاظ شاخص‌های اقتصادی - سیاسی با وضعیتی که بتوانند در خدمت منافع ملی باشند فاصله قابل توجهی دارند. بایستی ترکیب مالکیت و مدیریت رسانه‌ها به سمت واقعیت جامعه میل پیدا کند تا مسائل واقعی جامعه قابل طرح باشد. وضعیت شاخص‌های نیروی انسانی نیز

چندان خوشایند نیست. بخش اعظم نیروهای انسانی شاغل در رسانه‌های ایران دارای مدارک تحصیلی در رشته‌های غیر مرتبط هستند. هنوز در دانشگاه‌های ایران گرایشی تحت عنوان ارتباطات زیست‌محیطی، ارتباطات منابع طبیعی و ... وجود ندارد، لذا خبرنگار حوزه زیست‌محیطی نیز وجود ندارد. همچنین نشریات، روزنامه‌ها و صدا و سیما نیز چنین نیروهایی را تربیت نکرده‌اند. فقدان انجمن ملی خبرنگاران فعال حوزه محیط زیست کاملاً احساس می‌شود. بنابراین تا زمانی که مشکلات مرتبط با مالکیت، مدیریت و نیروی انسانی در عرصه رسانه‌ها مرتفع نشود، نمی‌توان انتظار داشت رسانه در موارد این چنینی به وظیفه‌اش درست عمل کند.

از سویی دیگر، تا زمانی که در ایران سیاست عدم دسترسی به اطلاعات به بهانه‌های خاص، همچنان حاکم است و راهبرد اصلی حفظ منافع سازمان‌های ذیربط و ذینفع به شمار می‌رود، نمی‌توان به مسائل اصلی پرداخت. علی‌رغم هزینه‌های هنگفت در حوزه دولت الکترونیک و راه‌اندازی سازمان‌ها و دستگاه‌های مرتبط، متأسفانه اطلاعات پایه هیچ ارگان و نهادی در فضای مجازی قابل دسترسی نیست. در حالی که اطلاعات باید به طور شفاف در اختیار جامعه قرار گیرند.

نکته دیگر در ایران امنیتی کردن مسائل توسط مسئولان است. هر مسئله‌ای که در کشور اتفاق می‌افتد اولین اتفاق، امنیتی کردن مسئله است. یک سازمان سدی را نامطلوب طراحی می‌کند، متأسفانه می‌شود منافع ملی و پرداختن بدان نظام را به خطر می‌اندازد. در واقع جایگاه یک شرکت، یک مهندس، یک وزیر، یک نماینده به جایی رسیده که با منافع ملی یکسان تلقی می‌شود. لذا تا زمانی که در سطح کلان منافع ملی، منافع سازمانی، دستگاهی، حزبی به طور دقیق تنظیم نشود و ارکان مختلف قدرت و ثروت یعنی پول، جریان اقتدار، جریان شایسته‌سالاری درست تنظیم نشود، میدان عمل برای هیچ مسئله‌ای در حوزه جمعیت، اقتصاد، توسعه، کشاورزی و از جمله آب و محیط‌زیست فراهم نخواهد شد.



آب، رسانه و

گفت‌وگویی ملی

دکتر هادی خانیکی



شواهد عینی به هزار و یک زبان می‌گویند بحران آب مسئله‌ای جدی در ایران است، به طوری که آینده حیات اقتصادی، اجتماعی و تمدن ایران به نحوه برخورد همه آحاد جامعه شامل تصمیم‌گیرندگان، برنامه‌ریزان، مدیران، بهره‌برداران، دانشگاهیان و جامعه مدنی با این مسئله بستگی دارد؛ اما در این موضوع، جدی‌ترین سؤالی که مطرح است این است که چطور می‌تواند آب، محور گفت و گو شود. طبیعتاً صاحب‌نظران و متخصصان مختلف، هر کدام از حوزه تخصص خودشان یا نهادهایی که فعالیت و اشتغال داشته‌اند، گزارش‌هایی را ارائه می‌دهند، ولی خلأیی که هنوز وجود دارد این است که چطور می‌شود بر سر مسئله آب گفت و گو کرد. در این مقاله سعی می‌شود از منظرهایی به این مسئله نگاه شود.

با توجه به آیه «من الماء کل شی حی»، اگر آب منشأ زندگی است، پس سیاست زندگی بر پایه آب تعریف می‌شود. منظور از سیاست زندگی بر پایه آب این است که آگاه باشیم کل جامعه در معرض خطر بی‌آبی قرار دارد؛ یعنی صرفاً انتقال خطر آب به یک حوزه صرفاً بیولوژیک نیست، بلکه انتقال خطر آب به حوزه سیاست، معرفت، فرهنگ و نظایر اینها هم هست.



۲

بحث‌های نظری را باید قدری عملیاتی و خرد کرد؛ به عبارت دیگر بین سیاست‌های کلان و سیاست‌های خرد، تمایزی قابل بود. طبیعتاً آب در موقعیت سیاست‌های خرد قرار می‌گیرد که برای سیاست‌های کلان مثل امنیت ملی و امنیت جهانی مطرح است، کما اینکه جنگ‌های امروز یا آینده جنگ‌های آب خواهد بود. به این اعتبار باید بگوئیم مسئله آب را در سطح سیاست خرد یا سیاست زندگی بر پایه آب در یک سطح خرد، به یک سیاست کلان تبدیل کنیم؛ یعنی ملی و فراتر از آن بیندیشیم (یعنی که در گذشته هم مطرح بود؛ مثل شکاف‌های دولت - ملت یا شکاف‌های تاریخی و نظایر اینها).



۳

جایگاه طرح سیاست‌ها و کنشگری‌های خرد در جامعه ما کجاست؟ اینجاست که مسئله رسانه‌ها، نهادها و نهادها اهمیت پیدا می‌کند. می‌توان بحث آب را در سطح نهادها، نمادها و سمبل‌ها که طبیعتاً در حوزه فرهنگ و هنر است، مطرح کرد. اینجاست که بحث شعر، فیلم، سینما و هر نماد دیگری مطرح می‌شود.

۴

موضوع بعدی انتظاراتی است که در سطح دولت مطرح می‌شود. به هر حال نقشی که دولت در جوامعی نظیر ایران در امر توسعه دارد، کلیدی است و نمی‌توان آن را کنمان کرد. به همین دلیل توجه به موضوعاتی مانند گزارش ملی آب و سیاست‌گذاری رسانه از سوی دولت خیلی مهم است.



۵

چه کسانی در بی‌توجهی به موضوع آب و محیط‌زیست مقصر هستند؟ دولت، جامعه، متخصصان یا نخبگان؟ پاسخ تقریباً روشن است و آن این‌که همه مقصراند؛ لذا باید توزیع مسئولیت کرد و در این توزیع نیز، سنگینی مسئولیت دولت از سنگینی مسئولیت نهادهای مدنی و رسانه‌ها کم نمی‌کند و بالعکس.

۶

به‌وضوح دیده می‌شود که مسئله آب در ایران به خوبی تعریف و تبیین نشده است. به‌همین دلیل مسئله به شبه‌مسئله یا به آسیب متنازل‌شده تبدیل

شده است و طبیعتاً تبدیل شدن آن به آسیب یا شبه‌مسئله، راه‌حل‌های ضربتی خواهد داشت و در میان راه‌حل‌های ضربتی هم نهادهای مدنی، نهادهای علمی و تخصصی و رسانه‌ها و امثال اینها حضور ندارند. از فضای رسانه‌ها می‌توان به عنوان فضای گفت‌وگو استفاده کرد نه به عنوان فضایی که تصمیمات ابلاغ‌شده را به‌صورت تزریقی اعمال کند و بخواهد جامعه را اقناع کند. در واقع هدف این است که عرصه عمومی وسیع‌تر شود، صداهای ناشنیده به گوش برسد، مشارکت همگانی بیشتر شود و نظاره‌گرها به مشارکت‌کننده‌ها تبدیل شوند.

۹

گفت و گو در این جامعه یک امر پسینی است. یعنی هر وقت مجبور شویم گفت‌وگو می‌کنیم نه هر وقتی که لازم باشد. به عبارتی در ارتباط بین زیست‌محیطی و مسئله اجتماعی و تاریخی جای گفت و گو مبهم و اجباری است، نه انتخابی.

۱۰

نقش نهادهای مدنی در این موضوع بسیار مهم است. اصلاح تصور عمومی و تهیه گزارش‌های میان‌رشته‌ای و ارتقای سطح فرهنگ جزء مسائلی است که اصولاً باید به وسیله چنین نهادهایی برجسته شود تا دولت به آن توجه کند. استفاده از رسانه‌های اجتماعی یا کمپین‌ها نیز بسیار مهم هستند که باید در سیاست‌گذاری رسانه‌ای دیده شود. همچنین باید به نقش رسانه‌های محلی توجه ویژه کرد. نشریه‌های محلی در جلب مشارکت می‌توانند نقش مهمی ایفا کنند. این موضوع بر این ضرورت تأکید دارد که استادان حوزه ارتباطات باید مباحث نظری ارتباطات توسعه را در قالب برنامه‌های کاربردی و عملی وارد مسائل جامعه، از جمله آب کنند.

۱۱

درباره مسئله آب باید آینده‌نگر بود. رسانه‌ها نونک کوه یخ را می‌بینند. ولی اگر قرار بر دیدن بدنه کوه یخ باشد، باید آینده‌نگری کرد. اینکه خشک‌شدن تالاب‌ها، فرونشست دشت مشهد، آلودگی رودخانه‌ها و ... چه نتیجه‌ای در پی دارند؟

۱۲

در انتها باید گفت آب مسئله‌ای جدی است که دولت به‌تنهایی نمی‌تواند متولی آن باشد، بلکه باید سه حوزه مدنی، دولت و بخش خصوصی به دیده‌شدن مسئله و حل آن کمک کنند.

مسئله آب در جامعه ایرانی مسئله دیرپایی است؛ ولی باید گفت مسئله اصلی که باید بدان پرداخت، چگونه گفت‌وگو کردن است. چگونه گفت‌وگو کردن در واقع تعیین تکلیف و سهم کردن است، البته نه به عنوان مقصر. پیش‌نیاز اولیه و تعریف اولیه گفت‌وگو این است که مفهوم مشترکی با کمک یکدیگر خلق شود، نه اینکه گروهی مفهومی خلق کنند و بخواهند آن را به دیگران احاله دهند.

چالش در شیوه طرح ابعاد واقعی مسئله وجود دارد، این‌که هشدارها به‌جای دعوت به مشارکت از کارشناسان، نخبگان و شهروندان، رویکردی یک‌سویه و انتقادی دارد و این جزء موانع گفت‌وگو است. در واقع کل حقیقت مسئله آب نه پیش‌مدیران است، نه جامعه‌شناسان، نه مهندسان؛ بلکه هر کسی بخشی از آن را می‌بیند. پس باید به جای هشدار، دعوت به اشکال مختلف مشارکت و گفت‌وگو را در پیش گرفت. همچنین باید توجه داشت که نشناختن مسئله موجب می‌شود افرادی در قالب راه‌حل‌های پروژه‌محور، فضای فعالیت را تحت تأثیر قرار دهند و به نوعی مسئله‌نما جای مسئله را می‌گیرد. متأسفانه مشاهده شده که ذیل پوشش مسئله بحران آب، در سطوح کارشناسی و تحقیق، گروه‌هایی به منافع رسیده‌اند. این به نفع رسیدن‌ها خود یکی از موانع برای گفت‌وگو است. برای همین پیش‌شرط انجام گفت‌وگو این است که باید سهم و نقش تمامی گروه‌های مشارکت‌کننده تعریف شود؛ مثل اهالی هنر، فرهنگ و ادب که در ظاهر دور از فضای فعلی هستند؛ ولی اگر بخواهیم به سمت حل مسئله حرکت کنیم، باید به نقش و اهمیت بالای این گروه‌ها توجه کرد.



انديشكده تدبير آب ايران

اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی کرمان

نشانی: خیابان نجات الهی شمالی، روبروی بیمارستان محب یاس، پلاک ۲۱۲، طبقه ۴

تلفن: ۸۸۹۴۷۳۰۰ - ۸۸۹۴۷۴۰۰

www.iwpri.ir